

در مواردی که لازم بوده، عین عبارت و ترجمه آن برای مثال نمونه آورده شده است. در همه جا تأکیدها از نگارنده مقاله است.

● اتاق برای همه (room for everyone)

شاید بارها به چنین ترجمه‌هایی برخورد کرده باشید که «در اینجا برای نصب چنین دستگاهی اتاق کافی وجود ندارد». در یکی از فیلمهای سینمایی تلویزیونی دوبله شده، یکی از شخصیتها می‌گفت «این بالا برای همه اتاق هست». اشتباه مترجمان این گونه جمله‌ها در این است که همه جا room را اتاق ترجمه کرده‌اند، حال آنکه منظور فضا و جای کافی بوده است.

● از (of)

بسیاری از مترجمان of را در همه جا از ترجمه می‌کنند. بدین ترتیب، مثلاً

«The broad perspective of science»

یا

«A coat of thousand colours»

می‌شود «چشم انداز وسیع از علم» یا «کتی از هزار رنگ». همچنین است علت پیدایش عباراتی چون «احساسی از امنیت»، «هرمی از گرما»، «نوری از شادی» و مانند اینها. حال آنکه of بیشتر کاربرد کسره اضافه فارسی را دارد و بهتر است - و گاه تنها صورت درست است - که عبارات بالا بدین گونه ترجمه شود «چشم انداز وسیع علمی»، «کت هزار رنگ»، «احساس امنیت»، «هرم گرما» و «نور شادی».

● از نزدیک (closely)

closely معمولاً «از نزدیک» یا «به نزدیکی» ترجمه می‌شود. به جمله زیر و ترجمه یکی از مترجمان از آن دقت فرمایید:

«You should follow this order in your report as closely as possible.»

«لازم است که شما در گزارش خود، تا حد امکان، این نظم را از نزدیک دنبال کنید.» در حالی که ترجمه درست این است:

«لازم است که در گزارش خود، با دقت هر چه بیشتر، این نظم را رعایت کنید.»

● اسامی بیگانه

ضبط صحیح اسامی اشخاص در ترجمه‌ها اهمیت فراوان دارد. در این مورد توجه به چند نکته ضروری است:

(۱) سابقه ضبط آن اسم خاص به زبان فارسی و پیشینه آشنایی فارسی‌زبانان با آن.

## نکته‌هایی دربارهٔ ترجمه و نگارش

### نیره توکلی

مطالب این مقاله در ضمن ویرایش یا بررسی کتابها و ترجمه‌های گوناگون گردآوری شده است. این مطالب در برگیرنده برخی از رایجترین اشتباهها و مسائلی است که در برگردان از انگلیسی به فارسی رخ می‌دهد و دامنه گسترده‌ای دارد: برخی از آنها اشتباه در حد گزینش معادلی نامناسب برای واژه‌ای است که به نقش آن در جمله توجه نشده است و این بیشتر به دلیل ناآشنایی مترجم با معانی مختلف واژه‌های چند مفهومه پیش می‌آید؛ برخی اشتباه در حد یک عبارت در جمله است؛ مواردی به ترجمه لفظ به لفظ عبارات و واژه‌ها یا حروف ربط برمی‌گردد؛ بعضی به انتخاب معادل نامناسب برای ضرب‌المثلها یا عبارات معروف زبان انگلیسی مربوط می‌شود؛ برخی به تشخیص نادرست جای جمله‌های معترضه در ترجمه ربط دارد و برخی نشان‌دهنده بی‌توجهی به معنی افعال مرکب است؛ دسته‌ای مربوط است به چگونگی ضبط اسامی بیگانه به زبان فارسی؛ و پاره‌ای به سهل‌انگاری در ترجمه قیدها اشاره دارد. گزینش عبارتهای قالبی بی‌ریشه و نامفهوم در نگارش نیز، که برخی از روی عادت انجام می‌دهند، دسته دیگری از این موارد را شامل می‌شود. به دلیل تنوع مطالب بناچار نظم الفبایی را برای دادن حداقل نظم به مطالب برگزیدم.

۲) رجوع به دایرةالمعارفها و فرهنگهای معتبر فارسی نظیر دایرةالمعارف مصاحب و فرهنگ معین  
 ۳) رجوع به فرهنگهای معتبر خارجی مانند Webster's Biographical Dictionary و دیگر فرهنگهای تخصصی مربوط به اشخاص.

۴) در نظر گرفتن ملیت اشخاص و ضبط فارسی اسامی آنان با توجه به تلفظ آن در موطن اصلیشان.

بی توجهی به نکات بالا باعث می شود که گاه نام يك شخصیت در کتابهای مختلف یا حتی کتابی واحد با املاها یا تلفظهای مختلف بیاید و در بسیاری از موارد این شبهه را ایجاد کند که سخن درباره يك شخص نیست، بلکه درباره چند شخص مختلف است. مثلاً نام یکی از صاحب نظران جامعه شناسی (M. Kunn)، در ص ۲۶۸ کتاب نظریه های جامعه شناسی، مانفرد کان، در ص ۳۲۴، مانفرد کهن، و در ص ۳۲۵، کان ثبت شده است.<sup>۱</sup> یا در کتاب دیگری نام آلبر کامو نویسنده و فیلسوف معروف فرانسوی «آلبرت کاموس» ضبط شده است.<sup>۲</sup>

برخی از مترجمان نیز گمان می کنند که با تعویض نامها و پیدا کردن معادلی شبیه به آنها در زبان فارسی از بار فرهنگ بیگانه می کاهند. ولی هنگامی که نام مؤلف بیگانه بر جلد کتاب، و همه رویدادها و مثالها حاکی از آن است که داستان در کشوری بیگانه اتفاق افتاده است، گذاشتن «علی» به جای «Al»، «لیلا» به جای «LiLi»، «سامان» به جای «Simon» و «عین الله» به جای «Anila» نه تنها مشکلی را حل نمی کند، بلکه بر تناقض مطالب می افزاید. برای روشن شدن این نوع تناقض به مثال زیر توجه کنید:

«سامان به يك میهمانی می رود و در آنجا به مراد معرفی می گردد. پس از چند دقیقه گفتگو درمی یابند که نسبت به چند مسئله از جمله بی عدالتی سازمان مالیات بردرآمد، پایگاه و مقام داگلس مک آرتور در تاریخ جهان، و تفوق گونه ای نوشابه کاملا با هم توافق دارند.»<sup>۳</sup>

تحفه آنکه مترجم برای کلمه «مراد» زیرنویسی هم داده است بدین مضمون: «در اصل مارتی (Marty) بوده است.»<sup>۴</sup>

● اگر کمترین را بگوییم (to say the least)

برخی از مترجمان چنین عباراتی را به صورت لفظ به لفظ ترجمه می کنند و توجه ندارند که ممکن است در زبان فارسی معادل موجزتر و مفهومتری وجود داشته باشد. در نتیجه، مثلاً، به جای اینکه در برابر این عبارت فقط بنویسند «حداقل» یا «دست کم»، می نویسند «اگر کمترین را بگوییم»، یا «با گفتن حداقل».

● الزاماً، ضرورتاً (necessarily)

معمولاً، مترجمان necessarily را «الزاماً»، «ضرورتاً»، «لزوماً»، «ناچاراً» یا «ناگزیر» ترجمه می کنند و درست در همانجای جمله می گذارند که در متن انگلیسی قرار دارد. این به ویژه زمانی درک جمله را دشوار می کند که در معنای منفی به کار رفته باشد. به جمله های زیر و ترجمه های آنها توجه کنید:

1) «Statement B is not necessarily true on the basis of A.»

«حکم ب بر اساس حکم الف الزاماً درست نیست.»

2) «The first solution is not necessarily the best solution.»

«اولین راه حل، الزاماً بهترین راه حل نیست.»

خواننده فارسی زبان از ترجمه جمله شماره ۱ ممکن است چنین مفاهیمی را استنباط کند:

- «وقتی حکم الف درست است، حکم ب حتماً درست نیست.»

- «حکم الف که درست باشد، حکم ب ناچاراً درست

نباشد.»

- «حکم الف حکم ب را ملزم به نادرستی می کند.»

و ترجمه شماره ۲ ممکن است این اشتباه را ایجاد کند که:

«اولین راه حل ناچاراً است بهترین راه حل نباشد.»

برای پرهیز از ایجاد ابهام در جمله ها بهتر است به جای ترجمه لفظ به لفظ معنی را نقل کرد. مثلاً برای جمله شماره ۱ ترجمه های زیر ارجح است:

- «درست بودن حکم الف درست بودن حکم ب را ایجاب

نمی کند.»

- «اگر حکم الف درست باشد، نمی توان گفت که حکم ب نیز

درست است.»

- «درست بودن حکم الف دلیل درست بودن حکم ب نیست.»

برای جمله شماره ۲ ترجمه زیر مناسب است:

«معلوم نیست که اولین راه حل بهترین راه حل باشد.»

● اوزان و مقادیر

تبدیل اوزان و مقادیر به مقیاسهای رایج فارسی، از جمله کارهای لازم در ویرایش و ترجمه است. در یکی از کتابهای روان شناسی از خانمی چنین تصویری داده شده بود:

«بانویی بود جوان و زیبا، با ۵ پا و ۱/۴ اینچ قد و ۹۰ پوند وزن.»

خوانندگان فارسی زبان، به ویژه آنان که ذهن ریاضی پرورده ندارند، باید نیروی زیادی صرف کنند تا این تصور را به دست آورند: «۱۵۳ سانتیمتر قد و ۴۴ کیلو وزن.»

● اینجا و اکنون (here and now)

در نوشته های روان شناسی گاه به چنین جمله هایی

برمی‌خوریم:

«این روان‌شناس معتقد است که برای بررسی حالات روانی باید به اینجا و اکنون توجه شود.»

در جمله بالا، کاربرد اینجا و اکنون ترجمه لفظ به لفظ از انگلیسی است، کمکی به فهم مطلب نمی‌کند و بهتر است به جای آن منظور اصلی که توجه به وضعیت موجود است گذاشته شود.

### ● بحرانی (critical)

واژه critical نیز معانی مختلفی دارد، اما بسیاری از مترجمان فقط با یکی از آنها، یعنی بحرانی‌اشناایی دارند. برای مثال، به جمله زیر و ترجمه آن توجه کنید:

«Two critical miscalculation were made»

«دو اشتباه بحرانی پیش آمد.»

حال آنکه درست آن است که نوشته شود: «دو اشتباه مهم پیش

آمد.»

### ● به کار بردن (apply[to])

این فعل نیز دارای معانی گوناگونی است، اما برخی از مترجمان همه‌جا معادل به کار بردن را در برابر آن می‌نهند. مثال: «Fayol applies the principles to all kinds of works».

ترجمه غلط: «فایول این اصول را برای همه انواع کارها به کار می‌برد.»

ترجمه بالا این اشتباه را پیش می‌آورد که فایول (یکی از نظریه‌پردازان علم مدیریت) اصولی را که شرح داده خود درباره انواع کارها به کار برده است. ولی منظور از جمله بالا این است که «فایول این اصول را بر همه کارها قابل تطبیق می‌داند.»

### ● پیشنهاد کردن (to suggest, to propose)

دو فعل to propose و to suggest نیز از فعلهای چندمفهوم هستند، اما بسیاری از مترجمان تنها با یک معنی آن، پیشنهاد کردن، آشنا می‌دارند. در اینجا برای هر یک از این افعال نمونه جمله‌هایی با ترجمه‌های نامناسب و سپس ترجمه درست داده شده است. نمونه ۱:

«Anderson suggests that we must study all the factors»

«آندرسون پیشنهاد می‌کند که ما باید همه عوامل را بررسی کنیم.»

در ترجمه بالا، مترجم توجه نکرده است که پیشنهاد نباید بایددار باشد! بهتر بود چنین می‌نوشت: «آندرسون می‌گوید که ما باید همه عوامل را بررسی کنیم.»

### نمونه ۲:

«Demon proposed that a perfect definition is useful in understanding self-concept»

«دیمون پیشنهاد کرد که توصیف کامل برای درک مفهوم از خود مفید است.»

در این ترجمه نیز مترجم توجه نکرده که هر چیزی یا مفید هست یا نیست و اگر مفید نباشد، با پیشنهاد کردن مفید نمی‌شود. در اینجا نیز به جای پیشنهاد باید معادلهای دیگری چون «ابراز نظر»، «مطرح کردن»، «گفتن»، «اعتقاد داشتن» به کار رود.

### ● تشخیص دادن (to distinguish)

این فعل چند مفهوم نیز معمولاً در همه جا تشخیص دادن ترجمه می‌شود. ترجمه‌های از این دست بسیارند: «فلانی چهار زمینه معرفتی مذهب، فلسفه، علم و ایدئولوژی را تشخیص می‌دهد.» آشکار است که در اینجا منظور تشخیص دادن نیست، بلکه جمله باید به این صورت در بیاید: «فلانی چهار زمینه معرفتی مذهب، فلسفه، علم و ایدئولوژی را از یکدیگر متمایز می‌کند.»

### ● تصمیم گرفتن (to decide)

این فعل انگلیسی نیز دارای چند معنی است، اما بیشتر مترجمان فقط معادل تصمیم گرفتن را در برابر آن می‌شناسند. جمله زیر را ملاحظه کنید:

«I decided that it was sunday»

«من تصمیم گرفتم که یکشنبه بود.»

در این ترجمه، مترجم توجه نکرده که تصمیم‌گیری شخص در یکشنبه بودن تأثیری نداشته است و باید به جای آن بنویسد: «یقین کردم که یکشنبه است.»

### ● جایگزین شدن (به وسیله/با) (to replace [by/with])

این فعل نیز معمولاً به صورت لفظ به لفظ ترجمه می‌شود. به مثال زیر توجه کنید:

«Instinct theory is replaced by (with) learning theory»

«نظریه غریزه به وسیله (با) نظریه یادگیری جایگزین شده است.»

آنچه فارسی‌زبانان از جمله بالا می‌فهمند این است که

### حاشیه:

(۱) نظریه‌های جامعه‌شناسی، تألیف دکتر غلام‌عباس توسلی، تهران، انتشارات سمت، چاپ دوم، ۱۳۷۰.

(۲) روان‌شناسی اجتماعی، تألیف ایوت ارونسون، ترجمه دکتر حسین شکرکن، تهران، انتشارات رشد، چاپ ششم، ۱۳۷۰، ص ۱۰۵.

(۳ و ۴) همان، ص ۲۵۳.

است درباره آن. در این صورت لازم است به گونه‌ای درست و منطقی به جمله اصلی ربط داده شود.  
مثال ۱:

«Lower production level' in our example does not mean anything-it must be lower than something »

یکی از مترجمان جمله بالا را چنین ترجمه کرده بود: «سطح پایینتر تولید در مثال ما بی معنی است - آن باید از چیزی پایینتر باشد.»

ترجمه ارجح: «در مثال ما، سطح پایینتر تولید بی معنی است، چون معلوم نیست که از چه چیزی پایینتر است.»  
مثال ۲:

«اجاره ما هم از مستأجرین پایینی خیلی کمتر است - یعنی بیجوی باو، آخاند اچاتر جی و ساگاری.»  
در ترجمه بالا محل قرار گرفتن جمله معترضه این شبهه را ایجاد می‌کند که توضیحی است برای کمتر، نه مستأجران. بهتر است جمله به این صورت تصحیح شود:  
«اجاره ما هم از مستأجران پایینی - یعنی بیجوی... - خیلی کمتر است.»

## ● چیزی مثل (Something like that)

در برخی از ترجمه‌ها به چنین جمله‌هایی برمی‌خوریم: «هر يك از دانشجویان چیزی مثل ۴۰۰۰ صفحه کتاب خوانده بودند.»  
با خواندن این جمله، خواننده فارسی زبان حق دارد تصور کند که دانشجویان نه ۴۰۰۰ صفحه کتاب، بلکه چیزی شبیه آن، مثلاً، ۴۰۰۰ صفحه دفتر خوانده‌اند. در حالی که به جای «چیزی مثل» بهتر است گفته شود «در حدود».

## ● شناسی، شناختی

در بسیاری از موارد وجود پسوندهای شناختی و شناسی (logy و logical) در ترجمه فارسی بی‌مورد است و مترجم آگاه تشخیص می‌دهد که باید حذف شود، زیرا در رساندن مفهوم اصلی اختلال ایجاد می‌کند. برای مثال، عنوان فرعی کتاب ذهن و جامعه، رشد فرایندهای روان شناختی عالی<sup>۵</sup>، بهتر است به رشد فرایندهای روانی عالی تبدیل شود. زیرا در اینجا منظور این نیست که از رشد تخصصهای افراد در رشته روان شناسی، به‌ویژه در دوره‌های بالاتر از سطح دبیرستان (دوره عالی) سخن رود، بلکه منظور بررسی فرایندهای روانی اشخاص در مراحل عالی رشد است. به همین ترتیب، در جمله‌هایی مانند

«Man is a biological existence.»

به جای اینکه بگوییم «انسان موجودی زیست شناختی است.»

نظریه‌ای «به‌وسیله» نظریه دیگر جا انتخاب کرده است. یا دو نظریه به همراه یکدیگر (با هم) جا انتخاب کرده‌اند. حال آنکه شکل روان و آسان فهم جمله به فارسی چنین است:  
«نظریه یادگیری جانشین نظریه غریزه شده است.»

## ● جمله (sentence)

sentence را بسیاری فقط جمله ترجمه می‌کنند، در حالی که معانی دیگری چون حکم و رای و نتیجه هم دارد. مثال:

«observational sentence is a summary of the results of an empirical investigation».

ترجمه: «جمله مشاهده‌ای خلاصه‌ای از نتایج يك بررسی تجربی است.»

در ترجمه بالا، مترجم توجه نکرده است که ممکن است این خلاصه در يك جمله نگنجد و اساساً منظور این است که پس از پژوهش به دادن حکم و نظر یا نتیجه‌گیری خاصی می‌رسیم. بنابراین، ترجمه درست‌تر این است:

«حکم مشاهده‌ای بیان خلاصه نتایج پژوهش تجربی است.»

## ● جمله‌های معترضه

در ترجمه جمله‌های معترضه یا مطالب داخل کمان باید، با توجه به ساخت جمله‌ها در زبان فارسی، جای درست آنها تعیین شود. به همین دلیل مترجم باید از تفاوت ساخت جمله‌ها در دو زبان مبدأ و مقصد آگاه و به آن حساس باشد. از جمله مواردی که ناآگاهی و بی‌توجهی مترجم ترجمه را دچار اختلال می‌کند وقتی است که در زبان انگلیسی جمله معترضه در ابتدای جمله می‌آید و سپس فاعل جمله مشخص می‌شود.

مثال ۱:

«Though she had grown old and completely exhausted, Suzan still wished to be a painter »

ترجمه متأثر از ساخت انگلیسی: «گرچه او پیر و کاملاً فرسوده شده بود، اما سوزان هنوز آرزو داشت نقاش شود.»  
ترجمه فارسی: «سوزان، گرچه پیر و کاملاً فرسوده شده بود، هنوز آرزو داشت نقاش شود.»

مثال ۲:

«In defending his theory of underdevelopment, Lipton presents a mass of evidence »

ترجمه متأثر از ساخت انگلیسی: «در دفاع از نظریه توسعه نیافتگی خود، لیپتون انبوهی از سند عرضه می‌کند.»  
ترجمه فارسی: «لیپتون برای دفاع از نظریه خود درباره توسعه نیافتگی شواهد فراوان می‌آورد.»

گاه جمله معترضه در پایان جمله اصلی می‌آید و توضیحی

باید بگویم «انسان موجودی زنده است.»

### ● صدای شیرین

برخی مترجمان «sweet» را معمولاً «شیرین» ترجمه می‌کنند و در هیچ جا استثنا قایل نمی‌شوند. در نتیجه گهگاه به چنین جمله‌هایی برمی‌خوریم «دخترک با صدایی شیرین گفت...» این گونه مترجمان غافلند از اینکه گاه ممکن است آنچه در زبان انگلیسی شیرین است، در فارسی نمکین یا ملیح باشد، یعنی ما چهرهٔ نمکین و صدای ملیح داریم، اما چهرهٔ شیرین یا صدای شیرین نداریم.

### ● ضرب‌المثلها یا قولهای معروف

برای ترجمهٔ این گونه عبارتها لازم است که، به جای ترجمهٔ لفظ به لفظ، از ضرب‌المثلها یا معادل‌های هم‌معنی آنها در فارسی استفاده شود. در مواردی که دو ضرب‌المثل معادل در زبان مبدأ و مقصد از لحاظ بار معنایی و فرهنگی تفاوت زیادی دارند و این تفاوت چنان است که استفاده از معادل فارسی تناقض می‌آفریند، مترجم ناچار است مفهوم ضرب‌المثل را ترجمه کند و در پانوشت دربارهٔ اصل ضرب‌المثل و معادل فارسی آن توضیح دهد. مثلاً اگر تنها معادل ضرب‌المثلی در زبان فارسی این باشد «چراغی که به خانه رواست به مسجد حرام است.» یا «روغن ریخته را نذر امامزاده نباید کرد.» مترجم باید احتیاط کند که در اینجا مفاهیمی از لحاظ فرهنگی و مذهبی و عقیدتی مطرح است که ممکن است با فضای فرهنگی و اجتماعی یا شخصیت آدم‌های متن اصلی تضاد داشته باشد.

مثال دیگر در این مورد ضرب‌المثل انگلیسی «Marry in May, rue for aye» است. این ضرب‌المثل می‌گوید «ازدواج در ماه مه شگون ندارد.» چون این ضرب‌المثل به عقاید خاص مردم چند کشور انگلیسی زبان (یا اروپایی) در مورد اوقات سعد و نحس برای ازدواج مربوط می‌شود، شاید ترجمهٔ آن به صورت ضرب‌المثل فارسی دشوار یا ناممکن باشد.

موارد دیگری هم هست که ممکن است برخی از ضرب‌المثلها را از لحاظ صنایع ادبی به کاررفته در متن اصلی نتوان به معادل‌های فارسی آن تبدیل کرد.

با این حال، در بیشتر موارد می‌توان و باید ضرب‌المثلها را به صورت معادل آنها به فارسی برگرداند. اما برخی از مترجمان یا در تشخیص ضرب‌المثل دچار اشکال می‌شوند، یا برای یافتن معادل آنها به زبان فارسی زحمتی به خود نمی‌دهند. مثلاً یکی از مترجمان متوجه نشده بود که «Quickly come, quickly go» ضرب‌المثل است، در نتیجه، غافل از معنی اصلی، آن را به این

صورت ترجمه کرده بود «تند می‌آید، تند می‌رود.» حال آنکه معنی اصلی ضرب‌المثل اشاره به این دارد که هر چه آسان به دست آید، آسان از دست می‌رود. بنابراین معادل فارسی آن چنین است: «باد آورده را باد می‌برد.»

در اینجا نمونه‌های دیگری از بی‌دقتی در این زمینه عرضه شده است:

نمونهٔ ۱: «ما نمی‌توانیم با پنهان کردن سر خود در شن در مقابل تبلیغات مقاومت کنیم.»<sup>۶</sup>

به نظر می‌رسد که معادل بهتر جملهٔ بالا چنین است: «ما نمی‌توانیم در مقابل تبلیغات سر خودمان را مثل کبک زیر برف کنیم.»

نمونهٔ ۲: «استنباط گالتون آهنگ نظریهٔ روان‌سنجی جدید را دربارهٔ تواناییهای ذهنی نواخت.»  
متن اصلی جملهٔ بالا چنین است:

«Galton's conception set the tone for modern psychometry's views on intellectual ability.»

البته *to set the tone for some things* به معنای کوك کردن ساز است، ولی حتی اگر مترجم از معنی درست این عبارت هم استفاده می‌کرد و می‌نوشت «... ساز نظریهٔ روان‌سنجی جدید را... کوك کرد.» باز هم وافی به مقصود نبود، بلکه بهتر بود جمله را به این صورت ترجمه کند: «استنباط گالتون سرآغاز نظریه‌های جدید روان‌سنجی دربارهٔ توانایی ذهنی بود.»

نمونهٔ ۳: «... و به قول معروف يك تکه حلبي هم ندارم که جلوی سوراخم را بگیرم یا بدنم را ببوشانم. گاهی فکر می‌کنم زنده دفن شده‌ام.»<sup>۷</sup>

ترجمهٔ بالا، که قسمتی از يك گفت و شنود در داستان است، دو اشکال دارد. اول اینکه در زبان فارسی «قول معروفی» که بر طبق آن «از يك تکه حلبي» برای گرفتن سوراخ سنبه‌ها یا پوشاندن بدن استفاده شود نداریم. به جای آن داریم: «آه نداریم، که با ناله سودا کنیم»؛ دوم اینکه در محاوره از «زنده دفن شدن» استفاده نمی‌کنیم، بلکه «زنده به گور شدن» را به کار می‌بریم.

در مورد ترجمهٔ ضرب‌المثلها به فارسی توجه به دو نکتهٔ دیگر نیز ضروری است.

۱) زمان و مکان موجود: گسترش رسانه‌های گروهی و امکان روزافزون ایجاد ارتباطات بین‌المللی بر سرعت مبادلات

حاشیه:

(۵) ذهن و جامعه، رشد فرایندهای روانشناختی عالی، لوسیمونویچ و یگوتسکی، ترجمهٔ دکتر بهروز عزیدفتری، تهران، انتشارات فاطمی، ۱۳۷۲.

(۶) روان‌شناسی اجتماعی، پیشگفته، ص ۹۳.

(۷) نگاه نو، ش ۱۳، فروردین - اردیبهشت ۷۲، ص ۱۷۶.

فرهنگی و آشنایی مردم نقاط مختلف جهان با فرهنگ یکدیگر افزوده است. در نتیجه، ممکن است کلمات و تمثیلهای ضرب‌المثلی که مثلاً تا سی سال پیش برای فارسی‌زبانان نامأنوس بوده، امروز آشنا باشد. بنابراین، شاید بتوان ضرب‌المثلی مانند «کاتولیک تر از پاپ» را به همین شکل، و نه به صورت «دایه مهر بانتر از مادر» یا «کاسه داغتر از آش» ترجمه کرد.<sup>۸</sup>

۲) حفظ سبک و سیاق مؤلف متن اصلی: هنگامی که نویسنده‌ای برای بیان مطالب خود بر کاربرد زبان اصطلاحی و تمثیل و استعاره و ضرب‌المثل یا شعر تأکید دارد، زبان ترجمه نیز باید آن را برتابد. بنابراین، رساندن مفاهیم با نثر عادی برای نمایش سبک نگارش نویسنده متن اصلی کافی نیست و باید از قالبهایی مانند آنچه او به کار برده استفاده کرد.<sup>۹</sup>

● برداشتن درس یا دوره (to take a lesson/ course)

چندی پیش در یکی از نمایشگاههای نقاشی با خانم نقاش، که تازه از امریکا برگشته بود، مصاحبه می‌کردند. از این خانم که گویا پیش از سفر به امریکا تحصیلات منظمی در رشته نقاشی نداشت و اصولاً با عنوان نقاش مشهور نبود سؤال شد «چطور شد که به نقاشی روی آوردید؟» ایشان در پاسخ گفتند: «در امریکا که بودم دو سه کورس (course) نقاشی برداشتم...»

از این مورد محاوره‌ای که بگذریم. به هنگام ویرایش چندین متن ترجمه شده نیز به چنین جمله‌هایی برخوردیم: «دانشجویانی که درس ادبیات برداشته بودند از لحاظ هوشی با آنهایی که درس ریاضی برداشته بودند فرقی نداشتند.» متن اصلی جمله بالا چنین بود:

«The students who had taken a course in literature were not different in intelligence from those who had taken a course in mathematics.»

در چنین مواردی بهتر است جمله به این صورت اصلاح شود: «دانشجویانی که درس ادبیات گذرانده بودند، از لحاظ هوش، با آنهایی که ریاضیات گذرانده بودند تفاوتی نداشتند.»

● علاقه (concern)

بسیاری از مترجمان concern را در همه جا علاقه ترجمه می‌کنند، در حالی که باید توجه داشتند که معانی دیگری چون، توجه، مراقبت، ربط، ارتباط، نگرانی، دلواپسی، کسب و کار، سر و کار داشتن، سهم... نیز از آن مستفاد می‌شود. برای مثال، به جمله‌های زیر و ترجمه‌های نامناسب آن دقت فرمایید:

«Most of the teachers are concerned in the psychological aspects of their students.»

ترجمه: «بیشتر معلمان به جنبه‌های روانی شاگردانشان علاقه

دارند.»

در جمله بالا درست آن است که به جای علاقه، توجه به کار رود.

«A money - changer is concerned with the rate of exchange.»

ترجمه: «صراف به نرخ ارز علاقه‌مند است.»

ترجمه درست: «صراف با نرخ ارز سروکار دارد.»

● عمه و خاله

در زبان انگلیسی میان واژه‌هایی که به وابستگان مادر یا خواهر یا زن مربوط می‌شود با واژه‌های مربوط به وابستگان پدر یا برادر یا شوهر تفاوتی وجود ندارد. یعنی، دوه‌دو، برای عمه و خاله، دایی و عمو، پسرعمو و پسر دایی، دخترعمو و دختر دایی، برادرزاده و خواهرزاده، پدربزرگ و مادربزرگ... واژه‌های یکسانی به کار می‌رود. اما چون در زبان فارسی این وابستگان از یکدیگر متمایزند، مترجم باید دقت کند که دچار اشتباه نشود. در اینجا، برای روشنتر شدن مطلب، مثالی از یکی از مجله‌های ماهانه آورده شده است. در این مجله ترجمه داستان کوتاهی از هکتور رهوگو مونرو، به همراه مقدمه کوتاهی درباره زندگی نویسنده چاپ شده است:

«هکتور رهوگو مونرو، اگر چه در برمه از پدری اسکاتلندی، که در خدمت اداره پلیس بود، هویت یافت ولی بعد از فوت مادر، دوه‌دو انگلیسی او به تربیتش پرداختند.»

از جمله بالا که مترجم با «اگر چه» و «اما» بر آن تأکید نهاده است، چنین برمی‌آید که ممکن است برادری اسکاتلندی باشد، اما خواهران او انگلیسی باشند. در حالی که درست آن بوده که به جای «عمه» «خاله» گذاشته شود.

● فعلهای ترکیبی

گاه برخی مترجمان در ترجمه افعال ترکیبی، به ویژه هنگامی که مفعول در وسط دو جزء فعل می‌آید، که معمولاً نیز چنین است، دچار اشتباه می‌شوند. مثال:

«Parents regard such problems as within the area of responsibility of the pediatrician.»

مترجمی جمله بالا را به این صورت ترجمه کرده بود: «پدر و مادرها به مسائلی از قبیل آنچه در حوزه مسؤولیت متخصص کودکان قرار می‌گیرد توجه دارند.»

آشکار است که مترجم فعل *regard* را با فعل *regard* اشتباه گرفته و در نتیجه ترجمه‌ای غلط به دست داده است. ترجمه درست جمله بالا چنین است:

«پدر و مادرها چنین مسائلی را در حوزه مسؤولیت متخصص کودکان به شمار می‌آورند.»

● قیدها

«کنسرت با سرود ملی پایان یافت.»

در ترجمه قیدها باید توجه شود که به کدامیک از اجزای جمله برمی‌گردد. بی‌توجهی به این نکته جمله‌هایی نظیر جمله‌های زیر را به وجود می‌آورد:

«وی لباس محافظه‌کاری پوشیده بود.»

«علاقه شاد دخترک آشکار بود.»

مترجم این جمله‌ها توجه نکرده که نه «لباس» محافظه‌کار می‌شود، و نه «علاقه» شاد یا غمگین، بلکه فاعل جمله‌هاست که محافظه‌کارانه لباس می‌پوشد یا شادمانه علاقه نشان می‌دهد.

● کمک کردن (to contribute)

معمولاً مترجمان تنها به یکی از معانی این فعل چند مفهومه عنایت دارند و آن کمک کردن است. مثلاً در جمله «Drink (contributed to his ruin. که مترجمی آن را چنین ترجمه کرده بود «مشروب به نابودی او کمک کرد.» بهتر است معنی مؤثر بودن و تأثیر داشتن به کار رود.

● کودکان جوان (young children)

برخی از مترجمان young children را کودکان جوان ترجمه می‌کنند، حال آنکه این ترجمه در زبان فارسی بی‌معنی است، زیرا ما کودک پیر نداریم که کودک جوان داشته باشیم. به جای آن کودکان خردسال درست است.

● گوش دادن به کسی (to here someone)

در بسیاری از ترجمه‌ها به چنین جمله‌هایی برمی‌خوریم: «به آنها گفته شد به شخصی گوش می‌دهند که نامزد ریاست جمهوری است.» این گونه ترجمه‌ها نیز ترجمه لفظ به لفظ است. ما در زبان فارسی به کسی گوش نمی‌دهیم، بلکه به سخن یا صدا یا آواز او گوش می‌کنیم.

● نتیجه گرفتن (to conclude)

to conclude هم از افعال چند مفهومه است، اما معمولاً فقط آن را نتیجه گرفتن ترجمه می‌کنند.

مثال:

«The concert concluded with the National Anthem.»

ترجمه نادرست: «کنسرت با سرود ملی نتیجه‌گیری کرد.»

این فعل معانی دیگری چون به پایان رسیدن، خاتمه یافتن و تصمیم‌گیری نیز دارد. پس جمله بالا را می‌توان به این صورت اصلاح کرد:

● نظر به اینکه، از جایی که، با توجه به اینکه  
بعضی چنان در کاربرد عبارات قالبی افراط می‌کنند که گاه جمله‌های مضحکی می‌آفرینند، یا از رساندن معنی اصلی دور می‌شوند. از جمله این قالبها «از آنجا که»، «نظر به اینکه»، «از جایی که»، و «با توجه به اینکه» است، به هنگامی که به جای «چون» به کار می‌روند. اشکال به ویژه هنگامی ایجاد می‌شود که در جزء دیگری از جمله کلماتی از این عبارات در معنی غیر مجازی به کار رود. در زیر نمونه‌هایی را آورده‌ایم، که به گمان نگارنده در آنها از این قالبها استفاده نابجا شده است.

نمونه ۱: «از جایی که اکثر تلاشهای به عمل آمده پیرامون روشها به سالیان اخیر مربوط می‌شود، این تلاشها در بررسی تاریخی ما جایی نخواهند داشت.»  
نمونه ۲: «نظر به اینکه نظر کمیته مناسب نبود شخص مورد نظر رد شد.»

نمونه ۳: «از آنجا که مرا به میهمانی دعوت نکرده بودند، به آنجا رفتم که دعوت کرده بودند.»

شاید با مطالعه موارد و مثالهای این مقاله گمان رود که چنین اشکالهایی تنها در کار مترجمان ضعیف وجود دارد و بنابراین درخور تأمل و بررسی نیست. اما در اینجا یادآوری چند نکته ضروری است. نخست اینکه چنین اشکالهایی به آثار مترجمان یا نویسندگان ضعیف محدود نمی‌شود، بلکه بسیار رایج است. بنابراین، دسته‌بندی و نمایش آنها به دلیل تکرار فراوانشان در متون مختلف لازم است.

دوم اینکه با یافتن چند مورد از این دست در هر اثری نمی‌توان بر همه آن خط بطلان کشید. آثار بسیاری از مترجمان و مؤلفانی که با مرکز نشر دانشگاهی سر و کار داشته‌اند پس از ویرایش و پیراستن اشکالاتی از این قبیل به سطح مطلوبی ارتقا یافته است. سوم اینکه برخی از مدخلهای مقاله مانند «اگر کمترین را بگوییم»، ممکن است در کار یکی دو مترجم بیشتر تکرار نشده باشد، اما هدف اصلی نشان دادن این اشتباه نمونه‌وار است که برخی از مترجمان به یافتن معادل درست فارسی برای عبارتها بی‌توجهند و به ترجمه لفظ به لفظ بسنده می‌کنند.

حاشیه:

۸ و ۹) برای ذکر این دو نکته از راهنمایی همکارم، آقای علی صلحجو، بهره گرفته‌ام.